

و خداوند به سلیمان در بیخون در خواب شب ظاهر شد و خدا گفت آنچه را که
 به تو بدهم طلب نما. سلیمان فرمود: "به بنده خود دل فهم عطا فرما تا قدم تو را
 داری نمایم و در میان نیک و بد تمیز کنم (سختنصیص دهم). پس خداوند وی را گفت:
 همچونکه این چیز را خواستی و طول ایام برای خیرترین نطلبیدی و دولت (ثروت) برای
 خود سزای ننمودی و جان دشمنانت را نطلبیدی بلکه به جهت خود حکمت خواستی تا انضا فرما
 یفهمی اینک بر حسب کلام تو کردم و اینک دل حکیم رفهم بد تو دادم بطوریکه پس از تو
 مثل توئی نبوده است و بعد از تو کسی مثل تو نخواهد برخواست و نیز آنچه را نطلبیدی یعنی
 هم دولت و هم جلال را به تو عطا فرودم به هدی که در تمامی روزهایت کسی مثل تو در میان
 پادشاهان نخواهد بود." (از فصل ۳ کتاب اول پادشاهان آیات ۵ و ۹ تا ۱۱)

برای حضرت سلیمان بجا آوردن عدالت الهی در زندگی بهترین سهم از چیزهای دگر بود
 برای انجام اراده خدا و عدالت الهی احتیاج به حکمت و معرفت الهی داریم. در این
 مطالعه می خواهیم ببینیم که چرا بدست آوردن این حکمت و معرفت برای هر انسانی
 بهترین هدف زندگی او باید باشد. چند آیه از کتاب مقدس را راجع به اهمیت این
 حکمت مطالعه می کنیم:

حکمت مرد حکیم را توانی می بخشد بیشتر از ده هاکم که در یک شهر باشند (جامعه ۷: ۱۹)
 حکمت از اسلحه جنگ بهتر است (جامعه ۹: ۹)

مرد حکیم در قدرت می ماند و صاحب معرفت در توانائی ترقی می کند. (امثال سلیمان ۲۴: ۵)
 مرد حکیم به شهر بیاران بر خواهد آمد و قلعه اعتماد ایشانرا به زیر می اندازد (امثال ۲۱: ۲۲)
 خورشید به حال کسی که حکمترا پیدا کند و شخصی که فطانت را تحصیل نماید زیرا که تجارت
 آن از تجارت نقره و محصورش از طلای خالص نیکتر است (امثال سلیمان ۳: ۱۳ تا ۱۵)

در قسمت دوم این مطالعه می خواهیم ببینیم که چگونه می توانیم این بارزترین چیز را در
 زندگی کسب نماییم. در رساله پولس رسول مسیح به کولسان باب ۲ آیه ۳ می فرماید
 ... دردی (مسیح) تمامی خزان حکمت و علم مخفی است. پس شرط اول کسب
 حکمت الهی اینست که مسیح را در ایمان به قلب خود راه دهیم تا بوسیله روشن در ما ساکن
 شود. این وقتی عملی خواهد شد که شخص به کار نجات از گناهان خود یعنی قربانی
 شدن مسیح بر روی صلیب به عنوان کفاره گناهان خود و قیامش از مردگان قلیاً
 ایمان آورد. یا توبه از گناهان خود و اطاعت از انجیل شخص مسیح را بپروی می کند.
 بعد از برداشتن این قدم اساسی برای کسب حکمت آیه ای را از فصل دوم کتاب امثال
 سلیمان می خوانیم: "ای پسر من اگر سخنان مرا قبول می نمودی و اوامر مرا ترذ خود
 نگاه می داشتی (آیه اول)

ما باید کلام خدا (کتاب مقدس) را با دقت و تعمق بیشتر بخوانیم زیرا که آن کلام حکمت است.
 ما همچنین باید متقاعد باشیم که کتاب مقدس منبع و معیار حکمت و معرفت است و

نباید بخواهیم که بیش از آنچه کلام ما را حکیم می‌کند حکیم شویم. در کتب انسانی نیز
تا حدی حکمت یافت می‌شود ولی چیزی نیست که کلام خدا ما را نتواند به آن آموزش
دهد زیرا تمام کتاب مقدس الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت
در عدالت مفید است. کتاب مقدس تماماً حکمت است.

ما باید حاضر به قبول فرمانها و وعده‌های کلام باشیم و آنها را بدون همه و شکایت و
شک تردید و خود داری با تواضع بپذیریم. این باید طرز فکر ما باشد حتی وقتی که
قسمتهایی از کلام خدا طوری با ما صحبت کند که برایمان ناخوش آیند باشد مانند
صحبت مسیح با زن کنعانی که در مورد آن در انجیل متی باب ۱۵ آیات ۲۳ و ۲۴ آمده است. ^{متی ۱۵: ۲۳-۲۴}
ناگاه زن کنعانی از آن حدود بیرون آمده فریادکنان ویرا (مسیح) گفت خداوندایسر
داود بر من رحم کن زیرا دختر من سخت دیوانه است. لیکن (مسیح) هیچ جوابش نداد
پس آن زن آسوده‌تر سرش کرده گفت خداوندای مرا یاری کن. در جواب گفت که
نمان فرزندان را اگر فتحی و ترسگان انداختی جائز نیست. عرض کرد بلی خداوندای زیرا
سگان نیز از پاره‌های افتاده سفره آقایان خویش می‌خورند. آنگاه عیسی در جواب
او گفت ای زن ایمان تو عظیم است ترا بر حسب خواهش تو بشود که در همان ساعت
دخترش شفا یفت. این صحبت آزمایش بزرگی برای ایمان آن زن بود. بسیاری
اگر همان سکرت و جرباب را از مسیح دریافت می‌کردند و لاسرد شده و او را ترک می‌کردند.
ولی این زن با تواضع به خواهش و تمنا می‌خورد ادامه داد. او با وجود شنیدن چنین سخنان
سخنی در ایمان خود به مسیح با ثبات تزلزل ناپذیر پایدار ماند و به جای بیرون و چرا گفت
بلی خداوند. نتیجه پایداری ایمانش این شد که دخترش شفا را از مسیح دریافت کرد.
آیا شما هم مایل هستید که مسیح ایمان شما را چنین ستایش کند؟ پس باید مانند آن
زن کنعانی در ایمان خود به مسیح ثابت بمانید. متأسفانه مشاهده می‌شود که اشخاصی
با خواندن قسمتهایی از کلام خدا که به نظرشان ناخوش آیند می‌آید از مطالعه و لاسرد شده
و راه نفور را در پیش می‌گیرند.

همانطور که اشیای گرانبها را با دقت در خانه خود متفقی می‌کنیم تا دزدیده نشود باید کلام خدا
را در قلبهایمان محافظت کنیم تا شیطان دانه‌های کلام را از قلبهایمان نذرود.
این کافی نیست که فقط به کلام گوش دهیم، ما باید آنرا به قلب خود راه داده و نگه داریم تا
آنرا در وقت مناسب و لازم مورد استفاده قرار دهیم. تا حد ممکن از هر فرصتی
استفاده کرده و با جدیت و توجه کلام را بشنویم. مانند کسانی که فرصت یک حراج
بی نظیر را در ضرورت گاهی نمی‌خواهند از دست بدهند ما نیز باید هر فرصت شنیدن
و یادگیری از کلام را غنیمت بشماریم.

آیه ۲ و ۳ از باب ۲ امثال سلیمان: تا گوش خود را به حکمت فراگیری و دل خود را به
فطانت مایل گردانی. اگر فهم را دعوت می‌کردی و آواز خود را به فطانت بلند می‌شودی.
باید برای تفهیم صحیح کلام خدا خیلی دعا کرده و حکمت را از کلامش بطلبیم مانند کسی
که از گرسنگی طالب غذا است. تک‌خواستن سطحی برای کسب حکمت کافی نیست بلکه

مانند نوزادان که برای خوردن شیر گریه می کنند ما نیز باید مستحق شیر روحانی و بی قش کلام باشیم تا از آن برای نجات و در ایمان شکر کنیم . به این وسیله در حکمت رسد می کنیم تا قلب و زبانمان مطیع حکمت شود .

آیه ۴ : اگر آنرا مثل نقره می طلبیدی و مانند سزانه های سفی جستجو می کردی ، باید مانند کسانی که با سفی زیاد دنبال مخازن طلا یا جواهرات در کوهها می گردند در جستجوی حکمت باشیم . البته جستجو کردن زحمت دارد و چنانکه گفته می شود ناپرده رنج گنج میسر نمی شود . بدون زحمت برای تفهیم بهتر کلام خدا بیشترنی در معرفت و دانش الهی حاصل نمی شود . یک مسیحی در آن صورت مانند یک طفل می ماند و رسد نمی کند و به راحتی منحرف می شود . انسانها برای پولدار شدن به خود زحمت زیادی می دهند ، ساعاتی زیاد کاری کنند ، تا می توانند پول جمع می کنند و از هر فرصتی که بتوانند برای کسب درآمد استفاده می کنند . همچنین است برای آنهایی که می خواهند در حکمت و معرفت غنی شوند ، آنها باید از هر فرصت برای کسب معلومات کلام خدا استفاده کرده و اتلاف وقت نکنند ، ارزش زیادی برای لذت زاین زندگی قائل نشده بلکه به دنبال کسب حکمت در کوشش باشند .

حال ببینیم که این زحمت چه فایده ای دارد و یا بنده حکمت چه بدست خواهد آورد .

آیه ۵ : آنگاه ترس خداوند را می فهمیدی و معرفت خدا را حاصل می نمودی . اولین چیزی که شخص جوینده حکمت میابد تفهیم ترس خداوند است که خود آغاز حکمت است . مسأله بزرگ بشر اینست که حتی اگر اعتراف به ایمان به خدا کرده و حتی قسمتهایی از کلام خدا را هم شنیده اند ولی معنی واقعی ترس خدا را درک نکرده یا نیاموخته اند . بدون تفهیم ترس خدا آنچه برای انسان عادی می ماند یک حکمت دنیوی و انسانی است که به هیچ وجه او را در پیشرفت در حکمت الهی کمک نمی کند . ترس خدا اولاً به ما کمک می کند که در ارتباط و مشارکت واقعی با خدا باشیم . او را درست عبادت و خدمت کنیم یعنی در روح و راستی در زمانی که بسیاری مردم خدا را بد تفهیم کرده اند و در نتیجه پرستش آنها باطل است . ثانیاً ترس و معرفت خدا ما را در رابطه با همسفران خود کمک می کند تا نه تنها بدانیم که رفتار عادلانه چیست بلکه همچنین بخواهیم که عادلانه عمل کنیم . این بسیار واجب است در دنیایی که مردم اینقدر نسبت به هم نا عادلانه رفتار می کنند و در شرایطی نسبت به یکدیگر حتی بدتر از حیوانات شده اند . در خاتمه این مطالعه را با سه جمله به شرح زیر خلاصه می کنیم :

۱- قدرت الهی از منبع حکمت الهی یعنی کلام خدا سرچشمه می گردد

۲- این حکمت الهی خود به خود حاصل نمی شود بلکه مستلزم زحمت کردن در راه مطالعه و تفهیم صحیح کلام خدا می باشد .

۳- این حکمت الهی ما را کمک می کند تا در رابطه با خدا مقدس و در رابطه با انسانها عادل شویم